



شرکتی شدن بورس‌ها

دکتر احمد احمدپور

اقتصاد جهان توانست بر اساس زیرساخت جدیدی که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی فراهم کرده‌اند، جهانی شود. معاملات چند میلیارد دلاری ظرف چند ثانیه روی مدارهای الکترونیکی در سراسر جهان انجام می‌شود. کاهش هزینه‌های تولید، افزایش بهره‌وری، گسترش بازار و تسریع در بازگشت سرمایه جهت افزایش سود در یک محیط مالی موثرند. در دهه گذشته همه این روشها در شرکت‌ها و کشورهای مختلف با شدت و ضعف مختلف بکار گرفته شدند. استفاده از فناوری‌های جدید اطلاعاتی در تمامی این شیوه‌ها به عنوان ابزار اساسی جهت افزایش توان رقابتی شرکتها در اقتصاد ملی حائز اهمیت است. توان رقابت شرکتها حدی است که به موجب آن شرکت‌ها قادر خواهند بود تا در شرایط آزاد عادلانه، کالا و خدماتی را که از آزمون بازارهای بین‌المللی سربلند بیرون می‌آیند، تولید کنند و در عین حال درآمدهای واقعی سهام‌داران خود را افزایش دهند.

قبل از دهه ۱۹۹۰ ساختار بیشتر بورس‌ها به صورت غیرانتفاعی بوده و مالکیت آنها در اختیار اعضا بود. از اوایل دهه ۱۹۹۰ روند شرکتی شدن بورس‌ها آغاز شده است. شرکتی شدن بورس یعنی تغییر ساختار مشاعی به شرکت انتفاعی

سهامدار - مالک. چرخه شرکتی شدن بورس طی چند مرحله صورت گرفته است. تبدیل مالکیت بورس با مالکیت (اشتراکی، شرکت خصوصی)، تبدیل مالکیت بورسی به صورت شرکت خصوصی متشکل از سرمایه‌گذاران، نهادها و اعضای شرکت‌های پذیرفته شده و شرکت شدن کامل با سهم قابل معامله توسط عموم و بدون محدودیت.

منطقی شدن حاکمیت، حضور و مشارکت سرمایه‌گذاران، جذب منابع لازم جهت سرمایه‌گذاری، جهانی شدن، تمرکز، یکپارچگی، مقررات زدایی و رشد فناوری، توزیع بخش مخاطره مالکیت، جلوگیری از تمرکز مالکیت، سهولت و استمرار دسترسی به سرمایه، بهبود تخصیص بهینه منابع، توجه به منافع مشترک، عرضه سهام در بازارهای بین‌المللی و افزایش ارزش شرکت از جمله مزایای شرکتی شدن به شمار می‌روند.

برای فعالیت بورس‌ها در بیشتر کشورهای در حال توسعه قوانین و مقرراتی تدوین شده است. در آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی اختیاراتی به بورس‌ها تفویض شده است. به موجب قانون ۱۹۳۴ بورس‌ها برای فعالیت نیاز به اخذ مجوز از کمیسیون بورس اوراق بهادار (SEC) دارند. طبق قانون بازار اوراق بهادار مصوب اول آذرماه ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی، ایجاد هماهنگی‌های لازم در بازار اوراق بهادار و همکاری با سایر نهادهای سیاست‌گذاری و نظارتی، اتخاذ تدابیر ضروری و ایجاد اقدامات لازم به منظور حمایت از حقوق و منافع سرمایه‌گذاران در بازار اوراق بهادار، نظارت بر سرمایه‌گذاری اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی در «بورس» تهیه و تدوین دستورالعمل‌های اجرایی، بررسی و نظارت بر افشای اطلاعات با اهمیت شرکت‌های ثبت شده نزد «سازمان» و ... بر عهده سازمان بورس و اوراق بهادار است و شرکت‌های سهامی بورس اوراق بهادار و کالایی وظیفه عملیات جاری و اجرایی بورس را انجام می‌دهند. طبق بند ۵ و ۷ ماده هفت همین قانون درخواست صدور، تعلیق و لغو مجوز تاسیس «بورس‌ها» و سایر نهادهای مالی و تصویب اساسنامه بورس‌ها به عهده سازمان بورس و اوراق بهادار (SEC) است.